

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با علیم قاسم‌اف

به بهانه برگزاری کنسرت در کنگره شمس خوی

هنر تحول‌ناپذیر به درد موزه می‌خورد

◀ **وحید سرپرست، محسن طایفه‌حسنلو**

– از کنسرت‌تان در **خوی راضی بودید؟**

انسان همیشه باید شکرگزار باشد. صدای من حال خوبی نداشت. جمعیت هم خیلی زیاد بود و زن و بچه مردم از سه ساعت قبل‌تر آمده بودند. باید حال آنها را هم دریافت. با همدیگر هم حرف می‌زدند و صدا به ما که روی صحنه بودیم منتقل می‌شد. از طرف دیگر من با این نوازنده‌ها و ترکیب تار و کمانچه این دو نفر مدت‌هاست برنامه اجرا نمی‌کنم. نوازنده‌های گروه من عازم اسپانیا بودند و آنجا برنامه داشتند. این نوازنده‌ها که با من آمدند به علت اینکه مدت‌ها با هم برنامه اجرا نکرده بودیم برای دل خودشان می‌زدند. زمانی هست که یک گروه با هم مدت‌ها تمرین می‌کنند و با هم سازگار هستند اما دو نفر گروه تمرین نکرده بودم. آنها ساز خودشان را می‌زدند و من هم ساز خودم را. هر کس به ساز خودش می‌رقصید. به خاطر همین کنسرت آن طوری که ایده‌آل من است اجرا نشد. اما به هر حال دوست داشتم اینجا ببایم به خاطر کسانی که موسیقی مرا دوست دارند و به خاطر شمس تبریزی و حرمتش. من همواره به خواست مردم تعظیم می‌کنم. اما اگر کسی دعوت شود و شرایط آمدن را داشته باشد و نیاید، حرمت‌ها را زیر پا گذاشته است. این را هم بگویم که هر چیزی قیمتی دارد.

–**چه نهادهی شما را به ایران و این مراسم دعوت کرد؟**

خسرو سرتیپی مرا دعوت کرد. جز او هیچ کس دیگر آدرس و نشانی از من ندارد.

– **در ایران برنامه دیگری ندارید؟ آیا قصد ندارید کنسرت‌هایی در شهرهای دیگر ایران برگزار کنید؟**

قرار بود چند تا کنسرت داشته باشیم. اما با برنامه‌های من هماهنگی نداشت و نتوانستیم. – **آیا تا حالا مشکلی برای برگزاری کنسرت در ایران داشته‌اید؟**

به هیچ وجه. تا حالا مشکلی پیش نیامده. در کجای ایران که کنسرت گذاشتمام مشکلی پیش نیامده. حالا با شانس بوده یا هماهنگی‌های دقیق مدیر برنامه‌ام. یکی دو بار هم از ارشاد ایران برای فستیوال‌های بزرگ دعوت‌م کرده‌اند. یک بار هم در کاخ شاه (نیاوران) در فضای باز برنامه اجرا کردم. هوای سردی هم بود. اما از آنجایی که شخصاً با هیچ جا طرف حساب نیستم و همه کارهایم را مدیر برنامه‌هایم در ایران می‌کند، مشکلی نداشتم. به من می‌گویند در فلان تاریخ کنسرت داری و من هم می‌آیم و اجرا می‌کنم.

– **از موسیقی ایران چه شناختی دارید؟**

به طور کلی موسیقی شرق و به ویژه موسیقی مقامات یک چیز هستند یعنی موسیقیدان‌های درست و حسابی اینها را از همدیگر جدا نمی‌کنند.

اما اینها در شکل‌های مختلفی عرضه می‌شوند مثل موسیقی هندوستان و عرب و ازبکستان و آذربایجان و ترکیه و ایران. مثلاً در دیار عرب هر شهری برای خودش مقاماتی دارد. به خاطر همین اسم‌های مختلفی هم روی آنها گذاشته‌اند. اما در کل یک موسیقی است و هر کدام زیبایی خاص خودش را دارد. برخی ریتمیک هستند و برخی سنگین. من به تمامی شکل‌های مختلف موسیقی شرق از هر کشوری گوش داده‌ام و آشنا هستم و فیض برده‌ام. چه بخواهم چه نخواهم این موسیقی‌ها بر هنر من تاثیر گذار بوده‌اند. به همین منوال هم دارد پیش می‌رود.

– **موزیسین‌های ایران چطور؟ به نظر شما کدام یک از آنها در سطح جهانی قابلیت**



سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۳ ■ دوشنبه ۸ آذر ۱۳۸۹

سالی پنجم ■ شماره ۱۱۲۳ ■ دوشنبه ۸ آذر ۱۳۸۹

اگر علیم قاسم‌اف در سال‌های جوانی‌اش کلاه سنتی جمهوری آذربایجان(پاپاق) به سر می‌کرد و سبیل می‌گذاشت، حالا نه از آن کلاه خبری هست و نه از سبیل. این عادت رفتاری سنتی موزیسین‌ها و به ویژه خواننده‌های جمهوری آذربایجان رفته‌رفته در کلیت به‌د از این او آرام آرام این عادت‌های سنتی را کنار گذاشت و همه واکنش‌های منفی موزیسین‌های سنتی را به جان خرید. سازهایی مثل بالابان و نقاره را به گروهش اضافه کرد و نوازنده‌های جوان را برای گروهش برگزید. نوازنده‌هایی که به دور از نوازندگی به شیوه قدما بودند، آواز علیم را با طرزی نو جواب می‌دادند و ملودی‌های تصانیف قدیم را شیوه‌ای دگر می‌بخشیدند. علیم یکی از معدود خواننده‌های جمهوری آذربایجان است که مدت‌ها با خواننده‌ای دیگر روی صحنه رفت و در جاهایی با او دوصدایی خواند. فرقانه قاسم‌اف دخترش از کودکی درس‌های دشوار خوانندگی را پیش پدرش گذراند و حالا به خواننده‌ای مستقل تبدیل شده است. اگر جهانیان سال‌های سال موسیقی جمهوری آذربایجان را به عنوان موسیقی‌ای صرفاً سنتی می‌پنداشتند، علیم تفکر همه را نسبت به این موسیقی عوض کرد و مدعی نوگرایی شد. او معتقد و شرکت در کنگره شمس تبریزی می‌تواند زنده بماند که مدام تغییر کند و تحول‌پذیر باشد. از همین رو بود که او گوشه‌هایی را در مقام‌های موسیقی آذری خواند که تاکنون و دست‌کم در دو سه نسل اخیر شنیده نشده بودند. علیم در یکی از آثار مناخرش حتی دست به ساختارشکنی زد. از سازی کاملاً ایرانی به نام عود در گروهش بهره برد و در جاهایی از آوازش ربع پرده خواند. معتقد

است باید آرام آرام گوش آذربایجانی‌ها را به این نغمات جدید عادت داد. علیم قاسم‌اف چند سال پیش به لندن رفت و با کوارتت زهی غربی برنامه اجرا کرد. در کنار آنها گروه سازهای آذربایجانی را نهاد و موسیقی‌اش رنگی از تلفیق به خود گرفت. در یکی از معدود فیلم‌هایی که با کلیت به‌د از این اجرا آن هم به دشواری در ایران قابل دسترس است، او با اشاره‌های دستی گروه را رهبری می‌کند. حتماً علاقه‌مندان موسیقی آذری می‌دانند که آواز در جمهوری آذربایجان همواره با تار یا کمانچه آذری پاسخ داده شده اما در این اجرا در لحظاتی ویولنسل به یاری آواز علیم می‌شتابد. از سوی دیگر علیم به حفظ نغمات قدیمی اما با شیوه‌ای نو معتقد است. در مستندی که یکی از کارگردان‌های آذربایجان از او ساخته، گروه همیشگی علیم در اتاقی کوچک در خانه‌اش نشسته‌اند و علیم دایره به دست آنها را همراهی می‌کند؛ اما نکته عجیب این فیلم همراهی دخترچهای حاکتر سه‌ساله است که با حفظ ریتم و گام صدا دارد یکی از «هاهنی» (تصنیف‌های موسیقی آذربایجان را می‌خواند و لذت می‌برد. هم خودش و هم علیم قاسم‌اف. گفت‌وگویی که با این هنرمند نوگرای جمهوری آذربایجان می‌خوانید، در خلال سفرش به شهرستان خوی و شرکت در کنگره شمس تبریزی صورت گرفت.

پیدا کردن علیم و گفت‌وگو با او در شرایطی که بی‌نظمی و ناهماهنگی برجسته‌ترین نکته این همایش و البته کنسرت علیم در خوی بود، کار بسیار دشواری بود. گفت‌وگوی اختصاصی شرق را با جهانی‌ترین هنرمند حال حاضر جمهوری آذربایجان می‌خوانیم.

کمی می‌تواند به عموم مردم در شناخت این آثار کمک کند یا مثلاً من کنار دخترم روی صحنه می‌نشینم و مقامات را اجرا می‌کنم. او در یک پرده می‌خواند و من در پرده دیگر. برخی از گوشه‌ها را خوانده‌ام که تا حالا در آذربایجان هیچ وقت اجرا نشده بود. مثل گوشه برداشت. خدا این عشق را به ما داده است و ما خوانده‌ایم.

– **شوروی سابق پیش از فروپاشی برای یکسان‌سازی فرهنگی دست به یکسری اقدامات زد. از جمله این اقدام‌ها دست بردن در موسیقی قومیت‌ها هم بود. مثلاً ربع پرده در موسیقی آذربایجان پیش از این اقدام‌ها وجود داشت اما با سیاست‌های حکومت مرکزی به تدریج از بین رفت...**

روس‌ها تاثیراتی در ما گذاشتند. سیاست‌هایی داشتند تا ما را از کشورهای منطقه شرقی مثل ایران و ترکیه جدا کنند. برای جدا کردن ما از این منطقه روی آوردند به یکسری از اقدامات مثل بستن مسجدها و بریدن پرده‌ها. از این طریق می‌خواستند معنویت ما را به خودشان نزدیک‌تر کنند. موزیسین‌ها و هنرمندان ما هم هر چقدر توانستند کوشیدند تا این موسیقی را حفظ کنند. هنرمندان ما دو کار را با هم می‌کردند؛ هم نمی‌خواستند روس‌ها آزرده و آشفته شوند و هم در حفظ موسیقی ما می‌کوشیدند. اگر به موسیقی کلاسیک ما پیش از حکومت روس‌ها نگاه کنید ربع پرده‌ها در آن شنیده می‌شوند.

– **آیا این تاثیر‌ها همچنان در موسیقی آذربایجان دیده می‌شود؟**

بله همچنان وجود دارند. اما نمی‌توان انتظار داشت تا به یکباره از میان بروند. برای از میان رفتن آن تاثیر‌ها باید نسل‌ها عوض شوند چون حتی همین نسل فعلی گوش‌شان به این تغییرات عادت کرده است و اگر با تغییرات جدید مواجه شود جا می‌خورد. برای بازگشت به همان موسیقی که ما داشتیم باید کسانی که آموزه‌های روسی را گرفته‌اند بروند تا نسل جدید جایگزین آنها شود. آن موقع است که موسیقی شرق یکپارچه می‌شود.

– **فکر می‌کنید چه عاملی باعث شده موسیقی آذربایجان با وجود این همه دستکاری توانسته هویت خود را حفظ کند و به راهش ادامه دهد؟**

ببینید در مراسم سنتی ما مثل عروسی‌ها آن موسیقی اصیل اجرا و شنیده شده است. خود من یک بار در یکی از عروسی‌ها ۱۲ دستگاه را یکجا اجرا کردم. کار بسیار دشواری بود. آندر این موسیقی را دوست دارند که ما را هم به شوق می‌آورند تا بخوانیم. مورد قبول آنها بود یا نبود، آن موسیقی اصیل ما در صحنه‌های اجرا می‌شود. آنها هم فرق میان سیاه و سفید را می‌فهمیدند. آن چیزی که ما اجرا می‌کردیم با چیزی که آنها می‌خواستند زمین تا آسمان فرق می‌کرد. این هنرمندهای ما بودند که موسیقی را نگه داشتند. البته موسیقی‌های عظیم است و هر چیز عظیمی پایدار می‌شود. موسیقی معنوی که مردم را به یاد خدا بیندازد هیچ وقت نمی‌میرد. البته این که را هم اضافه کنم که تاثیرات روس‌ها و تاثیراتی که موسیقی در ذات خودش داشت درهم آمیخته شده بودند. هنرمندهای ما هم از آنها تاثیراتی گرفتند. برخی تاثیرهای آنها مثبت هم بود و در جهانی کردن موسیقی آذربایجان موثر واقع شد تا جایی که موزیسین‌های ما آثاری سمفونیک نوشتند که در بزرگ‌ترین ارکسترهای سمفونیک دنیا اجرا می‌شود. اگرچه ضررهایی وارد موسیقی ما کرد اما برخی تاثیرهای مثبت هم داشت.

– **به نظر شما هنر هنرمند چقدر در عادات اجتماعی مردم می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ آیا اصلاً یک هنرمند چنین وظیفه‌ای دارد؟**

ببینید هنر ربطی به سیاست ندارد اما یک هنرمند می‌تواند رغبت و محبت مردم به سمت هنرش را بریانگیزد. می‌تواند آنها را تمیزتر کند. یک هنرمند تا بی‌نیاهت می‌تواند در همه عادات مردم تاثیر بگذارد و این اصلاً قابل اندازه‌گیری نیست. البته شخصاً با این طرز تفکر که باید در رفتارهای اجتماعی مردم تاثیرگذار باشم، برنامه‌ای اجرا نکرده‌ام اما هنر من چیزی است که از خدا گرفته شده و به خاطر همین مردم را به سوی خوبی‌ها و پاکی‌ها هدایت می‌کند. من همیشه برای حال درونی خودم می‌خوانم اما می‌دانم که در حال مخاطبان و آذربایجان نیز تاثیر می‌گذارد.

هنگامه اخوان



درباره علیم قاسم‌اف

هنر بی‌مثال و پرمایه

علیم قاسم‌اف بزرگ‌ترین هنرمند جمهوری آذربایجان است. اگر نگوییم بزرگ‌ترین هنرمند موسیقی شرق، باید بگوییم او یکی از بزرگ‌ترین موزیسین‌ها و هنرمندان حال حاضر آذربایجان است. می‌دانیم که موسیقی آذربایجان هم مثل موسیقی ایرانی از مقامات تشکیل شده است. او در این عرصه از هنر آذربایجان همتا ندارد یعنی آذربایجان هنرمندی مثل او به خود ندیده است. اگر بسیاری که ادعای هنرمندی دارند، هنرشان را به پول و مادیات فروخته‌اند، علیم هرگز دست به چنین لغزش‌هایی نزده است. همیشه سالم زندگی کرده و هنرش را هم سالم عرضه کرده است. به واسطه ارتباطی که با او دارم چند تا از آلبوم‌هایش را گوش داده‌ام. او واقعاً در موسیقی مقامات آذری فوق‌العاده است. علیم چند بار پیش من آمده است و در کلاس‌های من حضور داشته است. معمولاً هم با دخترش می‌آمد. دستگاه نوا و آواز افشاری را به او یاد داده‌ام. او مشتاق یادگیری نغماتی بود که تا حالا در آذربایجان کمتر شنیده شده‌ان. از این رو با دقت تمام درس‌ها را فرا می‌گرفت. گوش بسیار قوی‌ای هم دارد. اگر ما در تاریخ موسیقی کشورمان هنرمندانی چون قمرالملوک وزیری داشته‌ایم آذربایجان نیز هنرمندی مثل علیم قاسم‌اف دارد. یک بار در خانه نشسته بودم. یکی از دوستان شب‌هنگام به من زنگ زد و گفت علیم در ایران است و می‌خواهد شما را ببیند. من دورادور به جهت علاقمم به موسیقی جمهوری آذربایجان، از علیم هم شناخت داشتم اما از نزدیک با هم آشنا نبودیم. آمدند پیش من و یکی دو ساعتی گپ زدیم. همین، موضوع آشنایی ما شد و بایی شد تا باز همدیگر را ببینیم. از این طریق بود که او و دخترش در کلاس‌های من شرکت می‌کردند.

تا حالا با او صحبتی در این باره نداشتم‌ام که آیا می‌توانیم کنار هم بنشینیم یا برنامه اجرا کنیم. اگرچه برای من خواندن در کنار او افتخار بزرگی است اما من کلاً نمی‌توانم کنار خواننده‌ای دیگر بنشینم و بخوانم. من او را مثل برادر بزرگ‌ترم دوست دارم و به حضورش در موسیقی شرقی افتخار می‌کنم. انسانیت‌های او بی‌شمار است و یکی از آنها هنرش است. هنری که بی‌مثال است و پرمایه.

«شوکران‌نوش» با شعرخوانی حسین منزوی منتشر شد

آلبوم «شوکران‌نوش» با شعرخوانی حسین منزوی به بازار عرضه شد. «شوکران‌نوش» شامل دو لوح فشرده (سی‌دی) و با صدای شعرخوانی این شاعر فقید با قیمت هفت هزار تومان و شمارگان ۲۰۰۰ نسخه از سوی انتشارات دارینوش منتشر شده است. این مجموعه در ۱۱۰ دقیقه و شامل ۲۰ شعر با آواز ارس همراه است و کار موسیقی و تنظیم اهنگ آن توسط بابک شهرکی انجام شده است. همچنین مجتبی معظمی تهیه‌کننده این کار است که تدوین و تهیه موسیقی میان شعرها را هم بر عهده داشته است. حسین منزوی متولد اول مهرماه سال ۱۳۲۵، شعر گفتن را از اواسط دهه ۴۰ شروع کرد و در قالب آزاد، نیمایی و غزل به طبع آزمایی پرداخت. بیشتر شهرتش به خاطر غزل‌هایش است و او را از پایه‌گذاران غزل نو می‌دانند. این شاعر اردیبهشت‌ماه سال ۸۳ در ۵۸سالگی به‌علت بیماری قلبی و تنفسی درگذشت. «تغ و ترمه و تغزل» «همچنان از عشق»، «از شوکران و شکر»، «حنجره زخمی تغزل»، «به همین سادگی»، «با عشق تاب می‌آورم»، «با سیاوش از آتش»، «از کهریا و کافور» و «از خاموشی و فراموشی» مجموعه‌های شعر به‌جامانده از حسین منزوی هستند.

■ **اجرای کیوان ساکت در تور موسیقی دور دنیا**

کیوان ساکت بعد از محرم و صفر در سلیمانیه عراق به اجرای برنامه می‌پردازد. او تور دور دنیای خود را از عید نوروز آغاز خواهد کرد. کیوان ساکت آهنگساز و نوازنده تار در گفت‌وگو با ایلنا با اعلام این خبر گفت: تور دور دنیا از کشور روسیه و از عید نوروز سال ۹۰ آغاز خواهد شد. او افزود: اجرای کشور روسیه در شهر مسکو و در دانشگاه جایکوفسکی برگزار می‌شود. همچنین بعد از اروپا در لندن، امریکا و کانادا اجرا خواهیم داشت که جزئیات آن را بعداً اعلام می‌کنم. ساکت درباره قطعاتی که قرار است در این اجراهای مختلف داشته باشد، گفت: همه قطعات این اجراها جدید است. در این اجراها با دو خواننده همکاری خواهم داشت که سیامک خانلری یکی از آنهاست اما هنوز یکی از خواننده‌ها معلوم نیست. او در پایان گفت: در این تور موسیقی دور دنیا علاوه بر خودم که تار می‌نوازم نوازنده‌هایی چون نوید دهقان(کمانچه)، نوید آقچه (تنبک)، بهنام ابوالقاسم (پیانو) و سیامک خانلری (آواز) مرا همراهی می‌کنند.

■ **اجرای مشترک ارکستر فیلارمونیک ایران و گروه پارس**

ایلنا: کنسرت بزرگ گروه کر فیلارمونیک ایران به رهبری علیرضا شفق‌نژاد و گروه کر کودکان پارس به رهبری ناصر نظر ۱۰ و ۱۱ آذرماه ساعت ۲۱ در تالار وحدت به صحنه می‌رود. در این برنامه، دو قطعه مس دوماژور (تاج‌گذار) و مس فاماژور به همراه قطعاتی از شوبرت، جرج فردریک هندل، کارل آرف و... اجرا می‌شود. همچنین در این کنسرت دوروزه قطعه سنگین و مشهور «کارمینا بورانا» ساخته «کارل آرف» نیز در لیست آثار ارکستر قرار دارد. علاوه بر اینها هفت قطعه نیز برای کر خانم‌ها از آهنگسازان بزرگی چون شوبرت، موتزارت و... تنظیم شده که تنها توسط گروه کر بانوان اجرا می‌شود که مدیریت این بخش را افسانه جابری بر عهده دارد. از نکات مهم این کنسرت حضور علی جعفری پویان به عنوان مایستر ارکستر زهی و «آلوین آونیان» کنسرت مایستر است که هر دو از بهترین نوازنده‌های ایران به شمار می‌آیند. همچنین چند قطعه مجلسی ایرانی نیز در این برنامه توسط این گروه اجرا می‌شود که بی‌تردید مخاطبان ایرانی‌دوست را با خود همراه می‌کند. قطعه «مادر» از ساخته‌های علیرضا شفق‌نژاد یکی از قطعات مورد نظر این ارکستر خواهد بود که برای کر و ارکستر زهی تنظیم شده است.

■ **«پروژه خیام» با صدای علیرضا قربانی به آهنگسازی علی قمصری**

پروژه موسیقایی «خیام» به آهنگسازی علی قمصری به چند زبان دنیا در کشورهایی چون فرانسه، هلند و... اجرا خواهد شد که قربانی خوانندگی بخش فارسی را بر عهده دارد. در این کنسرت‌ها که در حدود دو ماه آینده در کشورهایی چون فرانسه، هلند و... برگزار می‌شود، علی قمصری آهنگساز و نوازنده تار به همراه سهراب پورناظری نوازنده کمانچه و علیرضا قربانی خواننده و چند نوازنده و خواننده از کشورهای دیگر، پروژه موسیقایی خیام را که از ساخته‌های خودش است به روی صحنه می‌برد. در این پروژه تمامی قطعات بر اساس اشعاری از خیام است که به چند زبان مختلف دنیا از جمله فارسی، عربی، انگلیسی و... توسط قربانی و دیگر خوانندگان کشورهای دیگر اجرا می‌شود. پروژه خیام به آهنگسازی علی قمصری با مذاکره این آهنگساز در دیگر کشورها نیز اجرا خواهد شد.

■ **هفت اثر ماندگار موسیقی رومنایی می‌شود**

هفت اثر ماندگار موسیقی ایران و جهان به همت انجمن موسیقی ایران در قالب مراسمی رومنایی می‌شوند. هفت اثر ماندگار «داغار» بر مبنای موسیقی مقامی جمهوری آذربایجان به خوانندگی مهمان صمداف از جمهوری آذربایجان، «خنده آسمان نگر» و «بهار آمد» اثری از «دولتمند خلف» بر مبنای موسیقی مقامی تاجیکستانی، «گل مولا» بر مبنای موسیقی ورزش باستانی ایران کاری از مرشد محام مرادی، معراج موسیقی مقامی تربت جام اثری از عبدالله سرور احمدی، تجمیع موسیقی بختیاری اثری از هادی منتظری و خوانندگی سینا سرک و همچنین «خاطرم در آتش است» کار نو سه‌تار اثری از سروش قهرمان‌لو در مراسم یادشده رومنایی می‌شوند. بنا بر این گزارش، هفت اثر ماندگاری که در این مراسم از آنها رونمایی می‌شود، در سال ۸۹ توسط انجمن موسیقی ایران تولید شده است. مراسم «رومنایی از هفت اثر ماندگار» هفتم آذر جاری ساعت ۱۵ در سالن رودکی تالار وحدت با حضور حمید شاه‌آبادی معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بابک رضایی مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، رئیس هیات ورزش باستانی و جمعی از اهالی قلم و هنرمندان و سفرای کشورهای آذربایجان و تاجیکستان برگزار می‌شود.